

باسمه تعالی

- ۱..... ادلهی عمومیت طهارت بودن تیمم بدل از وضو
- ۲..... بدلیت تیمم از غسل در اغناء از وضو
- ۳..... فرمایش مرحوم حکیم: تفصیل بین بدلیت تیمم از وضو، یا بدلیت خاک از آب
- ۵..... مناقشه ی مرحوم حکیم بر کلام صاحب مدارک
- ۵..... بررسی فرض تداخل اغسال مستحبه
- ۶..... کلام محقق خویی: تبیین مسئله با بررسی اطلاق یا عدم اطلاق ادله ی بدلیت

موضوع: عمومیت طهارت بودن تیمم بدل از وضو / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مسئله ی ده از احکام تیمم بود که تمام شد. در مسئله ی ده یک ادعا داشتیم که وضو در همه جا طهارت است؛ حتی وضوی حائض، وضوی جنب. این ها همه مرتبه ای از طهارت را می آورند. ولو اینکه مبیح برای نماز نباشند.

ادلهی عمومیت طهارت بودن تیمم بدل از وضو

یک وقتی هم ما سابق این ادعا را بیان کرده بودیم و از برخی روایات نیز شاهد آوردیم. به برخی از آن ها اشاره می شود: در باب ۹ ابواب وضوء ولو اینکه روایتش مرسله است، مرحوم آقا رضا همدانی می گوید عمل مشهور جابر ضعف سند است. در آن جا حضرت فرمودند: کسی که می خواهد بخوابد تیمم کند ولو به اینکه دستی به همان لحاف بزند. اسم این تیممی که اگر روایت نبود اصلاً قبول نمی کردیم، اسم این را طهور گذاشته است.

« قَالَ الصَّادِقُ ع مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَفِرَاشُهُ كَمَسَجِدِهِ فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى وَضُوءٍ فَلْيَتَيَمَّمْ مِنْ دِثَارِهِ وَكَائِنًا مَا كَانَ لَمْ يَزَلْ فِي صَلَاةٍ مَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ »^۱

صغری بیان می کنند. می گوید «من تطهر ثم أوى إلى فراشه.... فليتيمم من دثاره».

۱ من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۶۹.

برای کبری من تطهر، یک صغری بیان می کند که تیمم روی لحاف است. دنباله ی این حدیث صغری برای من تطهر است. اول کبری را بیان کرده است. من تطهر... بعد صغری را بیان کرده است: «فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى وَضْءٍ فَلْيَتَيَمَّمْ مِنْ دِتَارِهِ». اگر یادش آمد که تطهر نکرده است. روایت بعدی:

روایت چهارم از همان باب روایت اربع مائه که ما می گوئیم مشکلی در سندش نیست. دو سند دارد آن هم می گوید:

«فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْقَيْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: لَا يَنَامُ الْمُسْلِمُ وَهُوَ جُنْبٌ وَلَا يَنَامُ إِلَّا عَلَى طَهْوَرٍ فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ فَلْيَتَيَمَّمْ بِالصَّعِيدِ فَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ تَرْوَحُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَلْقَاهَا وَيُبَارِكُ عَلَيْهَا فَإِنْ كَانَ أَجْلُهَا قَدْ حَضَرَ جَعَلَهَا فِي مَكْنُونِ رَحْمَتِهِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَجْلُهَا قَدْ حَضَرَ بَعَثَ بِهَا مَعَ أَمْنَائِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَرُدُّهَا فِي جَسَدِهِ»^۱.

امام علیه السلام در این روایت می فرمایند: جنب باید با طهور بخوابد. فرض در جایی است که شخص جنب است. تیممش تیمم برای نوم است. با این حال اطلاق طهور بر آن شده است. «فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ فَلْيَتَيَمَّمْ بِالصَّعِيدِ» اگر آب ندارد طهورش تیمم است، اگر آب ندارد تیمم کند.

این مطلب در ذهن ما واضح است که طهارات ثلاث که می گویند؛ هر جا وضو و تیمم و غسل تشریع شده اند طهارت هستند. لکن طهارات مراتبی دارند برخی از آن ها مبیح للصلاه هستند و برخی نیستند.

اینکه کبری آورده است لاینام المسلم الا بطهور و بعد امر به تیمم کرده است معلوم می شود تیممش همان طهور است. فرض روایت این بود که شخص جنب است. یعنی همانجایی که می خواهد بخوابد، برای خوابش این کار کند. ان لم يجد الماء برای همان جایی که می خواهد بخوابد فلیتیمم.

بدلیت تیمم از غسل در اغناء از وضو

مسئله ی بعد در این احکام تیمم مسئله ی ۱۱ است که سید می فرماید:

«(مسألة ۱۱): التيمم أُلْذِي هُوَ بَدَلٌ عَنِ غَسْلِ الْجَنَابَةِ حَالَهُ كَحَالِهِ فِي الْإِغْنَاءِ عَنِ الْوُضُوءِ، كَمَا أَنَّ مَا هُوَ بَدَلٌ عَنْ سَائِرِ الْأَغْسَالِ يَحْتَاجُ إِلَى الْوُضُوءِ»^۲.

۱ وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۱، ص ۳۷۹، أبواب باب استحباب النوم على طهارة و لو على تیمم، باب ۹، ح ۵، ط آل البيت.

۲ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۳.

سید اثر تیمم را بیان می کند؛ می گوید بین بدل از چیست. اگر بدل از چیزی است که مغنی از وضو است، به دلیل بدلیت این تیمم هم مغنی است. اگر هم بدل از چیزی است که مغنی نیست این هم مغنی نیست. سید فقط غسل جنابت را مغنی می داند؛ لذا حکم آن را در اغناء از وضو مثل حال غسل جنابت می داند. به مقتضای بدلیت این هم کافی است.

«کما أنَّ ما هو بدل عن سائر الأغسال يحتاج إلى الوضوء» از آنجایی که سایر اقسام را سید مغنی نمی داند مثل غسل جمعه، اگر بدل از غسل جمعه بیاورد احتیاج به وضو دارد. این تیمم شما بدل از غسل جمعه است. آثار غسل جمعه رسیده است، ولی اغناء از آثار غسل جمعه نیست و لذا وقتی آب دارید باید وضو بگیرید و اگر آب ندارید باید تیمم دیگری بدل از وضوء انجام دهید.

«کما أنَّ ما هو بدل عن سائر الأغسال يحتاج إلى الوضوء أو التيمم بدله، فلو تمكّن من الوضوء تَوْضُؤًا مع التيمم بدلها، وإن لم يتمكّن تيمم تيممين: أحدهما بدلًا عن الغسل، والآخر عن الوضوء»^۱

ظاهر کلام سید این است که می گوید آن مبدل را نگاه کنید چه اثری دارد؟ هر اثری دارد بار بر بدل می شود؛ دلیل این کلام نیز خود بدلیت است. وقتی شارع می گوید «فَإِنَّ التَّيْمُمَ أَحَدُ الطَّهَوْرَيْنِ»^۲ یا می گوید «التراب مثل الماء»، ببینید که اگر آب را مصرف می کردی چه اثری داشت این هم همان اثر را دارد. اگر مغنی بود مغنی است. اگر آب را مصرف می کردید مغنی نبود تیمم هم مغنی نیست.

نتیجه کلام سید این که اگر کسی در سایر اغسال مثل غسل جمعه گفت مغنی است، ظاهر کلام سید این است که اینجا هم نیاز به وضوء ندارد. البدل بحکم المبدل. مبدل مغنی باشد بدل هم مغنی است. سید مطلب را بند کرده است به آن اثر غسل؛ اثر مبدل هر چه باشد، همان اثر برای بدل است. دلیلش نیز مقتضای بدلیت است. وقتی بدل آن است یعنی اثر آن را دارد.

فرمایش مرحوم حکیم: تفصیل بین بدلیت تیمم از وضو، یا بدلیت خاک از آب

در مقابل برخی گفته اند که ادله ی بدلیت چنین اطلاق و اقتضایی ندارد.

مرحوم حکیم ظاهر کلامش تفصیل است. که آیا ادله ی بدلیت، تیمم را بدل از وضوء قرار داده است؟ بدل از غسل قرار داده است یا اینکه ادله ی بدلیت ماء را بدل از تراب قرار داده است؟ می خواهد ابتداءً بین مستفاد از ادله ی بدلیت تفصیل دهد. فرموده است که ظاهر خطابات این است که تیمم بدل از وضو است، تیمم بدل از غسل است؛ نه اینکه تراب بدل از ماء باشد.

۱ العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج ۱، ص ۵۰۴.

۲ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۱۶۴.

گفته است ظاهر ادله این است خصوصاً آیه ی شریفه ﴿إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ - أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾^۱

وضو و غسل را گفته است و بعد گفته است «فتیمموا». ادعای مرحوم حکیم این است که مقتضای ادله این است که تیمم بدل از وضو و غسل است و نتیجه گرفته است که اگر در جایی ما هم خطاب وضو را داشتیم و هم خطاب غسل را داشتیم و شما هم از وضو و هم از غسل تمکن نداشتید، باید دو تیمم انجام دهید.^۲ بحث اغناء در کار نیست؛ مثلاً در مستحاضه متوسطه هم باید وضو بگیرد و هم غسل کند. ادله تیمم می گوید که تیمم شما بدل از وضو است، یک خطاب را امتثال کرده ای، یک تیمم دیگر هم باید کنی تا خطاب غسل را امتثال کنی. دو تا خطاب دارید که باید دو تیمم کنید تا آن ها را امتثال کنید. مستحاضه ی متوسطه به این بیان باید دو تیمم کند؛ زیرا دو مبدل دارد. اگر شخصی جنب است و تمکن از آب ندارد، مرحوم حکیم گفته است باید یک تیمم کند؛ زیرا یک خطاب بیشتر ندارد که غسل است، تیمم هم بدل از غسل است.

در غسل های مستحبی مثل غسل جمعه، شخص در روز جمعه دو خطاب دارد. یک خطاب دارد که وضو بگیرد و یک خطاب دارد که غسل کند. ولو اینکه غسل هم کند مجزی است کاری به اغناء نداریم. اکنون دو خطاب دارد که می تواند وضو بگیرد و غسل هم کند. فرموده است ادله ی تیمم می گوید دو تیمم کنید؛ زیرا گفته است که تیمم شما بدل از وضو است، تیمم شما بدل از غسل است. زیرا شما هم به وضو خطاب داری و هم به غسل، مبدلات دو تا هستند، پس بدل هم دو تا است. حرف های سید را به اغناء مرتبط نمی کند و با این بیانات حل می کند. می گوید تیمم بدل از وضو و غسل است، ببین وضو و غسل دو تا بر گردن توست یا یکی؛ اگر اصلاً جنب نیستی و یک وضو بر گردنت باشد یک تیمم بر گردن توست. بدل تابع مبدل است. مبدل را باید دید هر حکمی داشت بدل هم همان حکم را دارد.

مرحوم حکیم فرموده است: بله اگر بدل ما تراب بود و شارع می گفت تراب به جای آب، آن جا تعدد را نمی توانستیم نتیجه بگیریم. گاهی آب برای هردو کافی است. با آب هم می توان وضو گرفت هم غسل کرد. مثل کسانی که اغنایی هستند در غسل جمعه، با یک آب هردو حاصل می شود، اینجا هم تراب به منزله ی آب است، پس یک تیمم کافی است. سوال نشود که چرا یک آب کافی است؟ زیرا بنابر اغنایی ها صحبت می کنیم. آب را اگر در غسل صرف کردیم یک تیمم هم بدل از آن کافی

^۱ مائده / ۶.

^۲ مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۵۹.

است. نگفته است تیمم بدل از وضوء است تا متعدد باشد بلکه گفته است تراب بدل از آب است. آنجا دو تا مبدل داشتیم بدل نیز دو تا بود برخلاف اغنایی ها که می گویند اغناء یکی است.

بعد ایشان روی همین مطلب نیز اشکال کرده است؛ گفته است: حتی تراب هم به منزله ماء دانسته شود ممکن است بگوییم اطلاق ندارد، تراب به منزله ماء باشد حتی مایی که برای دو تا است اطلاق ندارد. ایشان می گوید ظاهر «التراب بمنزله الماء» یعنی ماء برای وضو یا برای غسل؛ از آنجایی که اینجا وضو و غسل دو تا شد تیمم هم باید تکرار شود. «التراب بمنزله الماء» اطلاق ندارد. به منزله ی ماء است برای وضو و به منزله ی ماء است برای غسل، این جا هم چون دو تا مبدل داریم، تیمم باید تکرار شود.

مناقشه ی مرحوم حکیم بر کلام صاحب مدارک

ایشان بعد از کلام مذکور، وارد در اشکالات به شیخ مفید و صاحب مدارک شده است که آن ها وحدتی بودند و می گفتند یک تیمم کافی است. صاحب مدارک فرموده بود یک تیمم کافی است؛ زیرا کیفیت تیمم یکی است و برای هردو کافی است. قصد بدلیت هم که لازم نیست، نوعشان هم یکی است. پس اگر یک جایی هم وضو بود هم غسل یک تیمم کافی است. مرحوم حکیم در اشکال به ایشان می گوید این حرف اشتباه است. اگر مبدل دو تا بود بدل هم دو تا خواهد بود. مرحوم حکیم بدل را به تعدد مبدل متعدد می کند و می گوید بدل فرع مبدل است. حرف سید هم در این صورت درست می شود؛ سید در جایی که جنب است می گوید چون یک مبدل بیشتر نداریم و فقط غسل جنابت است، بدلش هم یکی است. سایر اغسال که می رسید از آنجایی که چند تا مبدل داریم پس بدل هم چند تا است.

بررسی فرض تداخل اغسال مستحبه

یک قضیه ی دیگر اینکه روز جمعه باشد و عرفه باشد و چند سبب دیگر محقق شده است. بحثی است که ایا تیمم این اغسال باهم تداخل می کنند یا خیر؟ در آن روایت هم آمده بود که «إِذَا اجْتَمَعَ عَلَيْكَ حَقُّو أَجْزَاكُ عَنْهَا حَقٌّ وَاحِدٌ» همین را مثال می زد. اگر چند غسل مستحب آمد و تداخل کردند، سید در مسئله ی ۲۵ مطرح کرده است که ما فعلا بحث نمی کنیم. هر کجا مبدل متعدد شد بدل متعدد می شود، لکن ایا در مقام امتثال تداخل دارند یا خیر؟ خواهد آمد. این کلام محقق حکیم بود و همان نتیجه ی سید را گرفته است.

۱ وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۲، ص ۲۶۱، أبواب الجنابه، باب ۴۳، ح ۱، ط آل البیت.

کلام محقق خویی: تبیین مسئله با بررسی اطلاق یا عدم اطلاق ادله‌ی بدلیت

محقق خویی آمده طرح بحث را عوض کرده است؛ ایشان هم به نتیجه‌ی کلام سید رسیده است. به ذهن می‌زند که به نکته‌ی بحث، بهتر التفات پیدا کرده است. نکته‌ی بحث این نیست که آیا تیمم بدل از وضو و غسل است یا تراب بدل از ماء است. نکته این نیست که محقق حکیم مطرح کرده است. آن روایتی هم که می‌گوید «التراب بدل الماء بمنزله الماء» ظاهرش همین است؛ یعنی تیمم کردن، استعمال تراب مثل وضو و غسل است. فرقی نمی‌کند و اختلاف در تعبیر است. اینکه بفرماید التیمم بدل الوضو یا بگوید التراب بدل الماء فرقی نمی‌کنند. شارع که نمی‌خواهد تکلیف خاک و آب را معین کند، فعل را معین می‌کند. «التراب بدل الماء بمنزله الماء یعنی تیمم مانند غسل و وضو است. محقق حکیم که بین دو لسان‌ها اختلاف دانسته است درست نیست؛ انصاف این است که فرقی بین این دو لسان نیست. اینکه بگوید التراب بدل الماء یا بگوید التیمم بدل الوضو فرقی نمی‌کند.

اینکه محقق حکیم مسئله را متوقف کرده است بر اینکه مبدل‌ها متعدد باشند درست نیست. ایشان گفت: «إذا تعدد المبدل تعدد البدل» این راه درست نیست. مهم همان مطلبی است که اول بحث گفتیم. باید ببینیم که آیا ادله‌ی بدلیت اطلاق دارد یا ندارد. نکته‌ی بحث در اطلاق است، همانطور که سید خویی فرمودند^۱. باید دید که آیا ادله‌ی بدلیت اطلاق دارد یا ندارد؟! ممکن است مبدل‌ها دو تا باشد ولی از اطلاق کفایت یک تیمم را بفهمیم.

در برخی فرض‌ها مشکلی نداریم؛ به عنوان مثال در جایی که مبدل غسل جنابت است مشکلی نداریم زیرا مبدل واحد است. در جایی که خود شارع گفته است جمع کن بین غسل و وضو، خودش دو مبدل را آورده است و گفته است هردو را انجام بده این هم بحث ندارد. تیمم فوqش به جای غسل می‌شود، غسل که مجزی از وضوء نبود تیمم هم مجزی نمی‌باشد. چطور بگوییم بدل از اوست و مجزی از وضوء است؟ اطلاق ندارد. در جایی که خود شارع هردو را واجب کرده است مثل مستحاضه متوسطه، باید دو تیمم کنیم؛ زیرا مقتضای بدلیت این است که بدل اوست و خود مبدل که مجزی نبود، بدل هم مجزی نخواهد بود. لذا این هم جای بحث نداشت.

نکته‌ی مهم بحث سایر غسل‌هاست که غسل جنابت جزئش نیست. در سایر غسل‌ها اگر بگوییم معنی نیست باز هم بحث نداریم. غسل جمعه معنی نیست، تیمم هم ادله‌ی بدلیت می‌گوید مانند غسل جمعه است. غسل جمعه اثر اغناء نداشت، بدلیت هم اغناء را نمی‌آورد پس این سه مورد مذکور اختلافی در بحث نداشت.

۱ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱۰، ص ۳۶۲.

نکته ی اختلافی این است که غسل جمعه را آورده اید و وضو هم مشروع است؛ خطابات مبدل دوتاست؛ ما قائلیم که غسل جمعه مجزی از وضو است. اگر در این فرض تیمم کرد بدل از غسل جمعه، آیا کافی است یا نیست؟ گیر اینجاست. بنابر اینکه مجزی باشد آیا می توان با تمسک به ادله ی تیمم گفت که اگر غسل می کرد وضو نیاز نداشت و تیمم بدل از آن هم مجزی است؟ آن چیزی که گیر دارد این است که نکته اش هم فقط ادله ی بدلیت است. دو تا خطاب داشتن که اثری ندارد مهم ادله ی بدلیت است که اطلاق دارد و می گوید همین تیمم برای هردو کافی است.

این است که محقق خویی خوب تامل کرده است و فرموده است که در این فرض تیمم بدل از غسل جمعه مجزی نیست؛ زیرا ادله ی بدلیت اطلاق ندارد نه اینکه چون مبدل ها دو تا هستند. ایشان در مسئله ی ۱۰ آورده اند و این جا نیز تکرار کرده اند. مدعای ایشان این است که ادله ی بدلیت نسبت به اثر اغنایی اطلاق ندارند. ایشان فرمودند: التیمم بدل الوضوء، از حیث همین که اگر وضو می گرفت چه می شد؟، این هم بدل اوست، اما اینکه این از یک چیزی دیگر مغنی است این تیمم بدل هم مغنی باشد معلوم نیست. اثر خود آن را دارد نه اغنای از غیر را. ایشان می گوید که ادله ی بدلیت از حیث طهوریت صحبت میکند. بدل اوست از حیث اینکه طهور است. اما مغنی بودن را نمی فهمیم؛ زیرا دلیل بدلیت اطلاق ندارد. فقط می گوید طهور است اما «فیغنی» برای غسل بود و دلالت ندارد که تیمم هم مغنی باشد؛ قبلا هم گفتیم که «رب الماء رب الصعید» معنایش همین است؛ یعنی طهوریت را می گوید و از حیث اغناء در مقام بیان نیست. لذا ولو بگوییم که سایر اغسال مغنی از وضو هستند، تیمم از سایر اغسال مغنی از وضو نیست. نکته اش را اطلاق می دانند. تمام نکته این است.

اینکه سید فرموده است در سایر اغسال باید دو تیمم کند محقق خویی می فرماید درست است؛ زیرا ادله ی بدلیت اطلاق ندارد.

مختار استاد: تمامیت اطلاق ادله ی بدلیت

لکن در ذهن قاصر ما این است که اطلاق ادله ی بدلیت مشکل ندارد. ظاهر «التراب احد الطهورین»، «التراب بمنزله الماء» این است که اگر آب را مصرف می کردی عند التمكن چه اثری داشت؟ تیمم هم قائم مقام آن است. فکر کردیم که چه در ذهن محقق خویی بوده است که اطلاق را منکر شده است ندانستیم. اینکه فقط از حیث طهوریت تراب مانند آب باشد را قبول می کنیم. این تیمم طهوری را می آورد که غسل جمعه آورده است. به نظر ما همین کافی است برای اغنای از وضو. اصلا دلیل محقق خویی از غنای غسل جمعه چه بود؟ همان طهوریت بود اینجا هم بگوید طهوریت است. ما نمی فهمیم که تنزیل سلمنا که فقط به لحاظ طهوریت باشد! ولی همین طهوریت را می شود برای اغنای تیمم نیز مطرح کرد. می گوید تیمم بدل از غسل

جمعه، غسل جمعه را شما به دلیل طهوریت می گفتید مجزی است اینجا هم بگویید که طهوریت باعث می شود تیمم مجزی باشد.

ما می گوئیم که حیثیت اغناء در نظر مبارک شما طهوریت است، دلیل شما «ای وضو اتقی من الغسل» بود که می گفتید همه ی اغسال را می گیرد^۱. دلیل بدلیت نیز همان طهوریت را ثابت می کند برای تیمم؛ لذا اگر در سایر اغسال قائل به اجزاء و اغناء شدیم، می گوئیم تیمم برای یکی از آن غسل ها مجزی است و دو تیمم لازم نیست. ظاهر کلام سید هم همین است. ما از نفس کلام سید اینطور می فهمیم که سید که در سایر اغسال که می گوید دو تیمم، به دلیل این است که آن ها را مجزی نمی داند؛ لذا اگر سایر اغسال را مجزی می دانست می گفت یک تیمم کافی است. عبارت سید را دوباره تامل کنید. می گوید در اغنا مثل مبدل منه است اگر مبدل منه مغنی بود، بدل مغنی است و اگر مبدل منه مغنی نبود تیمم مغنی نیست.

لذا اینطور تطبیق کرده است. ما نکته ی کلام سید را اغناء می دانیم نه تعدد مبدل که مرحوم حکیم می گفتند. اغناء را ما می گوئیم نکته ی کلام سید اغناء و عدم اغناء است و کلام محقق خویی که گفته است بنابر اغناء باید در سایر اغسال تکرار شود قبول نداریم. لازمه ی بدلیت این است که مغنی هم باشد و چون اغناء را در سایر اغسال گیر داشتیم و منکر بودیم در تیمم بدل از آن نیز گیر داریم. گفته نشود که از کجای عبارت سید می فهمیم! عبارت ایشان را ببینید:

«التیمم الذی هو بدل عن غسل الجنابة حالة كحاله»

تمسک به اطلاق بدلیت می کند. چون حالش حال همان غسل است. این هم وضو دارد.

بدل فرع است. ما می گوئیم بدل فرع است.

بزنگاه بحث اطلاق ادله ی بدلیت است که آیا می تواند اغنا را ثابت کند یا نمی تواند. اگر اغناء را توانست ثابت کند که به نظر ما سید می گوید آن را هم ثابت می کند، کلام محقق خویی ناتمام است و اگر توانست ثابت کند فرمایش خویی تمام است. تنمیه ی کلام سید در مسئله ی ۲۵ خواهد آمد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرين

۱ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۷، ص ۲۳.

